۵۵۰۰ سال؛ تاریخ سرزمینی به‌نام «فلسطین»

به مناسبت ۲۹ نوامبر، روز جهانی فلسطین، مروری بر پیشینه پرفراز و نشیب این کشور کهن و تاریخی که امروزه در اشغال صهیونیست‌هاست، داشته‌ایم

گروه تاریخ - امروز، روز جهانی فلسطین است؛ کشوری که در حاشیه شرقی دریای مدیترانه قرار دارد. فلسطین از شرق با سوریه و اردن، از شمال با لبنان و بخشی از سوریه و از جنوب با مصر همسایه است. در گذشته سرزمین فلسطین، جزئی از سوریه به حساب می‌آمد و از این‌رو در بین عرب‌ها، گاه از آن با نام «سوریه جنوبی» یاد می‌کردند. مساحت فلسطین بیش از ۲۷ هزار کیلومتر مربع است. این سرزمین به دلایل مختلفی از جمله وجود «مسجدالاقصی» (نخستین قبله مسلمانان)، موقعیت ویژه‌ای نزد مسلمانان دارد. از سرزمین فلسطین در قرآن با عناوینی چون «ارض مقدسه» و «ارض مبارکة» یاد شده. فلسطین محل دفن بسیاری از انبیای الهی است؛ به‌عنوان نمونه، حضرت مریم(س) در شهر ناصره، یحیی(ع) در شهر سامریه و ابراهیم(ع) در شهر الخلیل مدفون هستند. «بیت‌المقدس»، پایتخت ابدی فلسطین نیز، محل ظهور ادیان یهودیت و مسیحیت بوده است. مقبره داوود نبی(ع)، مقام حضرت موسی(ع)، مسجدالاقصی و مسجد صخره در این شهر قرار دارد. خوب است بدانید که اریحا و غزه، از قدیمی‌ترین شهرهای جهان محسوب می‌شوند و محمد بن ادریس شافعی، از فقهای چهارگانه اهل سنت، در غزه به دنیا آمده است.

■ **تاریخ فلسطین پیش از اسلام**

بنا بر نظر تاریخ‌نگاران، فلسطین از عصر حَجَر محل سکونت بشر بوده است. قدیمی‌ترین نام شناخته‌شده فلسطین، «سرزمین کنعان» است که از نام عرب‌های کنعانی، نخستین گروه مهاجر به فلسطین، گرفته شده است. این گروه در سال ۳۵۰۰ قبل از میلاد، فلسطین را برای سکونت برگزید. با این حال، نام فلسطین برگرفته از اقوام عرب مهاجری است که در حدود ۱۲۰۰ قبل از میلاد، از غرب آسیا به این سرزمین مهاجرت کردند. یکتاپرستی و اعتقاد به توحید از زمان ورود حضرت ابراهیم(ع) در فلسطین رایج شد. آن حضرت فلسطین را برای سکونت برگزید و اعتقاد به توحید را در این سرزمین گسترش داد. بعد از ابراهیم(ع)، فرزندش اسحاق(ع)، سپس نوه‌اش یعقوب(ع) در فلسطین ماندند؛ امّا فرزندان یعقوب(ع) به مصر مهاجرت کردند. نوادگان و فرزندان یعقوب(ع) که به بنی اسرائیل معروف بودند، پس از وفات حضرت موسی(ع) به رهبری حضرت یوشع(ع) به فلسطین بازگشتند. پس از آن هرج‌ومرج فلسطین را در برگرفت و این وضع تا زمان آغاز حکومت طالوت ادامه یافت. حضرت داوود(ع) حدود هزار سال قبل از میلاد، بیت‌المقدس را پایتخت حکومت خود قرار داد. پس از داوود، فرزندش سلیمان حکومت را به دست گرفت و از این زمان به بعد، فلسطین شاهد عمران و آبادانی بود. با این حال، نکته قابل تأمل و توجه این است که طی قرن‌های طولانی، بیشتر ساکنان فلسطین عرب کنعانی بوده‌اند و به مرور با دیگر اقوام عرب درهم آمیختند. هرچند در برخی ادوار تاریخی، بنی اسرائیل در برخی مناطق فلسطین به حکومت رسیدند. در سال ۶۳ قبل از میلاد، رومیان بر فلسطین مسلط شدند و این سرزمین را تحت سیطره خود قرار دادند. سال ۳۰ میلادی، آغاز نبوت حضرت عیسی(ع) بود. او دعوت خود را در شهر اورشلیم آغاز کرد و به هدایت مردم پرداخت. زنده‌یاد استاد شهید مرتضی مطهری درباره این بخش از تاریخ فلسطین می‌نویسد: «سرزمین فلسطین در طول تاریخش، نه پیش از اسلام و نه بعد از اسلام، در هیچ زمانی متعلق به یهودی‌ها نبوده است؛ تنها در مدت موقتی، داوود(ع) و سلیمان(ع) در آن جا سلطنت کرده‌اند. زمانی که مسلمانان، فلسطین را فتح کردند، فلسطین در اختیار مسیحیان بود و مسلمانان با مسیحیان صلح کردند. یکی از بندهای صلحنامه نیز این بود که مسیحیان گفتند فلسطین در اختیار یهودی‌ها قرار نگیرد.»

■ **فلسطین در دوره اسلامی**

دین اسلام در زمان خلیفه اول وارد سرزمین فلسطین شد؛ امّا فتح این سرزمین در سال ۱۳ هجری قمری و در زمان خلیفه دوم صورت گرفت؛ در این دوره، فلسطین جزئی از سرزمین اسلامی شد و بعدها، خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس بر این سرزمین حکومت داشتند. در ۳۵۸ق دولت فاطمی مصر، کنترل فلسطین را به دست گرفت. فاطمیان برای تسلط بر فلسطین، با انقلاب‌های محلی، قرامطه و ترک‌های سلجوقی به مبارزه پرداختند. در این مدت، نزاع بر سر فلسطین ادامه داشت، به شکلی که حکومت فلسطین بین حکومت‌های مختلف مسلمان رد و بدل می‌شد. با آغاز جنگ‌های صلیبی، مسیحیان اروپایی در سال ۴۹۳ق بر بخش‌هایی از فلسطین مسلط شدند و بیت‌المقدس را اشغال کردند. حکومت آن‌ها بر این سرزمین، حدود ۸۸ سال ادامه داشت. مسلمانان پس از نبرد «حَطّین» تحت فرماندهی صلاح‌الدین ایوبی، فلسطین و بیت‌المقدس را پس گرفتند. بعدها حکومت فلسطین به دولت تازه تأسیس عثمانی رسید و این حاکمیت تا سال ۱۹۱۷ م و اشغال فلسطین به دست انگلیسی‌ها ادامه داشت. بریتانیا، به‌عنوان قیمومت - که از سوی جامعه ملل به این کشور داده شده بود - اشغالگری خود را در فلسطین تثبیت و در این مدت، زمینه انتقال یهودیان به این سرزمین را فراهم کرد. انگلیسی‌ها بر اساس «قرار بالفور»، به صهیونیست‌ها قول داده بودند که دست آن‌ها را در تصاحب اراضی فلسطینیان مسلمان و مسیحی باز بگذارند و مقدمات تأسیس کشور جعلی اسرائیل را فراهم کنند.

■ **مقابله مسلمانان با سیاست یهودی‌سازی صهیونیست‌ها**

برای مقابله با سیاست یهودی‌سازی فلسطین و از دیاد نفوذ اقتصادی و سیاسی صهیونیست‌ها، در سال ۱۹۳۱ م (۱۳۱۰ ش) کنگره‌ای با نام کنگره اسلامی قدس توسط محمد امین الحسینی، مفتی اعظم فلسطین، در بیت‌المقدس برگزار شد. شخصیت‌هایی همچون اقبال لاهوری هم در این کنگره سخنرانی کردند. در سال ۱۹۳۶ م، قیام مردم فلسطین علیه استعمار انگلیس آغاز شد؛ اما این قیام به دلایل مختلف، از جمله ضعف تسلیحاتی فلسطینی‌ها با شکست مواجه شد. با شکست این قیام، مقامات انگلیسی امین الحسینی را تبعید کردند و مانع برگزاری کنگره دوم قدس شدند.

■ **اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها**

گفتیم که انگلیس در سال ۱۹۱۷ م، به صهیونیست‌ها وعده تشکیل کشور جعلی اسرائیل را در فلسطین داد. طی دوران قیمومت بریتانیا، هزاران صهیونیست از نقاط مختلف جهان به فلسطین منتقل شدند و با خروج انگلیس از فلسطین در سال ۱۹۴۸ م، تأسیس رژیم صهیونیستی اعلام شد. از این روز در تاریخ فلسطین با عنوان «روز نکبت» نام برده می‌شود. اسرائیلی‌ها در مرحله نخست، ۷۸ درصد خاک سرزمین فلسطین را اشغال کردند. مناطق اشغالی شامل «الخلیل» واقع در شمال فلسطین، ساحل دریای مدیترانه، صحرای «نقب» و منطقه مرکزی فلسطین بود. از آن جا که کرانه باختری تحت اداره اردن قرار داشت و غزه نیز توسط دولت مصر اداره می‌شد، این دو منطقه - البته به صورت موقت - از اشغال صهیونیست‌ها در امان ماند. امّا از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۵ م رژیم صهیونیستی موفق شد ۶۰ درصد از کرانه باختری و ۴۰ درصد باریکه غزه را هم به محدوده اشغال خود بیفزاید و به تدریج، اشغالگری خود را به ۹۷ درصد خاک سرزمین فلسطین توسعه دهد.

■ **نسل‌کشی در سرزمین‌های اشغالی**

صهیونیست‌ها، چه قبل و چه بعد از تأسیس رژیم جعلی خود، بارها دست به قتل‌عام و نسل‌کشی فلسطینی‌ها زدند که آخرین آن‌ها طی هفته‌های گذشته در غزه و با بیش از ۱۴ هزار شهید رقم خورد. لازم است بدانید که در سال ۱۹۴۸ م دست‌کم ۳۴ قتل‌عام توسط صهیونیست‌ها اتفاق افتاد که معروف‌ترین آن‌ها، قتل‌عام «دیر یاسین» بود. در این قتل‌عام، ۲۵۴ نفر به شکل فجیعی کشته شدند. از دیگر جنایات صهیونیست‌ها، می‌توان به قتل‌عام «خان یونس» در سال ۱۹۵۶ م اشاره کرد. در این جنایت، ۲۵۰ فلسطینی کشته شدند. امابی‌تردید، یکی از بزرگ‌ترین جنایات تاریخ بشر، کشتار اردوگاه‌های «صبرا» و «شتیلا» است. این حادثه در سال ۱۹۸۲ م اتفاق افتاد که در آن سه هزار و ۲۹۷ زن و کودک فلسطینی، طی سه روز کشته شدند.

■ **آغاز انتفاضه‌ها**

طی سال‌های اشغال فلسطین، این سرزمین شاهد قیام‌های متعدد مردم فلسطین بوده است. اولین قیام سراسری مردم فلسطین، در سال ۱۹۷۶ م با نام «انتفاضه روز زمین» اتفاق افتاد. با این حال، قیام نخست در تاریخ فلسطین، با نام انتفاضه شناخته نمی‌شود. مورخان قیام سراسری سال ۱۹۸۷ م را با نام «انتفاضه اول» یا «انتفاضه شعب فلسطینی» می‌شناسند. این انتفاضه در کرانه باختری و غزه رخ داد. در سال ۲۰۰۰ م، به خاطر ورود آریل شارون نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی به مسجدالاقصی، انتفاضه دیگری آغاز شد که به «انتفاضه الاقصی» مشهور است. از مهم‌ترین شعارهای انتفاضه الاقصی، ایجاد دولت فلسطینی و خروج اشغالگران از فلسطین اشغالی بود. در انتفاضه ۱۹۸۷ م که شش سال به طول انجامید، هزار و ۵۴۰ نفر به شهادت رسیدند و در انتفاضه سال ۲۰۰۰ م دو هزار و ۸۰۰ نفر. این مقاومت‌ها در قالب گروه‌های جهادی همچون حماس و جهاد اسلامی تداوم یافت و به تدریج ساز و کار مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و آرمان آزادی قدس شریف و رهایی سرزمین فلسطین از چنگ صهیونیست‌ها به عنوان مطالبه همه فلسطینیان مطرح شد.

محراب و منبر مسجدالاقصی در اوایل قرن بیستم

تاریخ معاصر

اسرار طرفداری «هایدگر» از «هیتلر»

چالش پیوند فلسفه و نازیسم

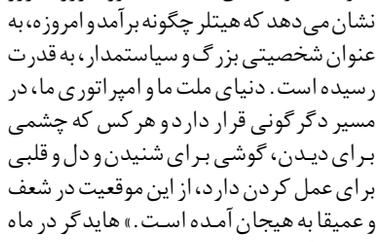

۱۷ تیر ۱۳۱۶، وزرای خارجه چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و افغانستان، پیمان عدم تعرض را در کاخ سعدآباد امضا کردند که بستر و زمینه آن، از مدت‌ها پیش، به‌واسطه فعالیت‌ها و نفوذ پشت‌پرده و پنهانی سیاستمداران انگلیسی فراهم شده بود. این پیمان که به پیمان سعدآباد شهرت پیدا کرد، وحدت نظر و رویکرد یکسان چهار کشور را در سیاست عمومی و حمایت متقابل، در صورت بروز خطر نسبت به یکی از دولت‌های عضو، پیش‌بینی و هر چهار دولت را متعهد می‌کرد که ضمن محترم شمردن حدود و ثغور مرزی مشترک، سیاست عدم مداخله مطلق در امور داخلی یکدیگر را دنبال کنند و از ایجاد تنش بپرهیزند. در مقطعی که به امضای پیمان سعدآباد انجامید، یکی از کشورهایی که نقش بسزایی در شکل‌گیری تحولات بین‌المللی داشت، انگلیس بود. درواقع، در این بازه زمانی، ساختار موازنه قدرت نظام بین‌الملل، با سه جبهه دموکراسی‌های غربی، فاشیسم و کمونیسم استالینی روبه‌رو بود. در این بین، سیاست جهان غرب، به رهبری انگلیس، در قبال دو جبهه دیگر، در مناطق مختلف جهان و از جمله منطقه حساس خاورمیانه، منشأ وقوع حوادث مهمی شد که آثار و پیامدهای آن در انعقاد پیمان سعدآباد قابل مشاهده است.

قمار از پیش باخته رضاشاه در پیمان «سعدآباد»

■ **ایجاد یک کمربند فرضی**

انگلیس که در این زمان، سراسر خاورمیانه را به روش‌های مختلف تحت نفوذ و سلطه خود گرفته و از سال‌ها قبل به فکر ایجاد سدی آهنین در جنوب شوروی بود تا از توسعه طلبی و نفوذ کمونیسم به سمت خلیج فارس و چاه‌های نفت جنوب ایران، جلوگیری کند، تمام توان خود را به کار گرفت تا زمینه انعقاد یک پیمان منطقه‌ای بین دولت‌های دست‌نشانده منطقه را فراهم کند؛ به این ترتیب، بر اثر کوشش انگلیسی‌ها، زمینه‌های حل اختلافات میان چهار کشور منطقه و انعقاد پیمان سعدآباد بین ایران، ترکیه، عراق و افغانستان فراهم شد. حسین مکی، در یادداشت‌هایش، درباره نقش انگلیس در انعقاد این پیمان، به انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ در روسیه و وحشت انگلیس از وقوع این انقلاب در سایر نقاط اشاره کرده و نوشته است: «انگلستان پس از وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه در سال ۱۹۱۷ تلاش کرد تا با تشکیل حکومت‌های قوی و دست‌نشانده در جنوب روسیه، یعنی کشورهای ایران، ترکیه، عراق و افغانستان، نیرویی را تشکیل دهد تا سد دفاعی محکمی در برابر هندوستان و یا به تعبیر خود او در حکم ملایم کننده ضربه به کار آیند.» به باور مکی، انگلیسی‌ها در نظر داشتند برای این که حلقه‌ای پولادین به دور اتحاد جماهیر شوروی بکشند، پیمانی چهار جانبه میان تهران، آنکارا، بغداد و کابل برقرار کنند. در همین راستا، ابتدا برای ایجاد روابط دوستانه میان تهران و آنکارا، دست به کار شدند. نتیجه این تلاش‌ها، به سفر رضاشاه به ترکیه منجر شد. همچنین، ظن قوی این است که به موازات این سفر، لندن تلاش کرد تا روابط گرم و دوستانه‌ای میان چهار کشور به وجود آورد. هوشنگ مهدوی نیز با موضوع نقش و تأثیر انگلیس در پیمان سعدآباد موافق است و می‌نویسد: «زمامداران انگلیسی فکر انعقاد یک پیمان دفاعی بین کشورهای خاورمیانه در فاصله بین دو جنگ را مطرح و آن را به عنوان سدی در جلوگیری از توسعه و نفوذ شوروی به سوی خلیج فارس و چاه‌های نفت خاورمیانه لازم می‌شمردند. به همین دلیل در طول چند سال تلاش کردند اختلافات میان دولت‌های عضو این پیمان را مرتفع کرده و زمینه انعقاد پیمان همکاری و عدم تعرض منطقه‌ای را فراهم آورند.» نقش رضاشاه در این بین، نقشی مهم بود. این پیمان تبعات مثبتی برای ایران در پی نداشت؛ از جمله این تبعات، واگذاری چند منطقه مرتفع به ترکیه بود که رضاشاه، از باب نشان دادن حُسن نیت آن‌ها را واگذار کرد. جالب این جاست که بعدها و در دوره محمدرضا پهلوی نیز، چنین رویکردی در قالب پیمان سنتو به مرحله اجرا در آمد؛ منتها در این پیمان، آمریکایی‌ها جای انگلیس را گرفته بودند. پیمان سعدآباد، در واقع اجرای سیاست‌های خاورمیانه‌ای و ضد کمونیستی انگلیس، با بودجه کشورهای منطقه محسوب می‌شد.

تاریخ معاصر

چالش پیوند فلسفه و نازیسم

واقعیت این است که هایدگر، فیلسوف مشهور آلمانی نیز بی‌تاثیر از رویدادها و حوادث روزگار خودش نبود. او جداسازی و «یکدست‌سازی» جمعیت را می‌ستود؛ به «جهان» حمله می‌کرد و از «بی‌ریشگی» می‌نالید. از «شایعات و حرف‌های پرت و پلا» تنفر داشت و در انتظار «سخنی» بود که از عمل و وجود آدمی بگوید. از شرایط موجود رنج می‌برد و به عبارت بهتر، از همه چیزهای «مدرن» در رنج بود و در همان حال، با بدترین روش‌ها به دنبال هموار کردن راه برای دنیایی دیگر می‌گشت. در چنین شرایطی بود که هیتلر به قدرت رسید؛ همان هیتلری که نویسنده «نبرد من» بود و هایدگر، برخلاف اکثر هموطنانش، قبل از سال ۱۹۳۳ این کتاب را با دقت بسیار خوانده بود: «این کتاب به صورت روز به روز نشان می‌دهد که هیتلر چگونه برآمد و امروزه، به عنوان شخصیتی بزرگ و سیاستمدار، به قدرت رسیده است. دنیای ملت ما و امپراتوری ما، در مسیر دگرگونی قرار دارد و هرکس که چشمی برای دیدن، گوشی برای شنیدن و دل و قلبی برای عمل کردن دارد، از این موقعیت در شعف و عمیقا به هیجان آمده است.» هایدگر در ماه مه ۱۹۳۳ به حزب نازی پیوست و به استادی دانشگاه فرایبورگ رسید و از «قدرت‌های خاکی و خونی» که به قدرت رسیده‌اند، تمجید کرد و «فداکاری» و «یکدست‌شدگی» را ستایش کرد. او نه تنها این بازی کثیف را می‌ستود، بلکه خود نیز تبدیل به یکی از بازیگران آن شد. هایدگر چنان تغییر کرد که همه آن چیزهایی را که در قالب هزاران صفحه مقاله و یادداشت آورده بود، کنار گذاشت و از خوشبختی نوشت؛ از این خوشبختی و خوش‌شانسی که «پیشوا» در قالب واقعیتی جدید ارائه کرده و به قول هایدگر: «اندیشه ما را در مسیر درست انداخته است.» اما در آوریل ۱۹۳۴، هایدگر از استادی دانشگاه استعفا کرد. دلیل این کار، مشکلات شخصی و البته بی‌صبری او برای شکل‌گیری «واقعیت تازه آلمان» بیان شد. اما این کناره‌گیری، به معنای آن نیست که هایدگر از حمایت و تلاش برای تقویت نازی‌ها دست کشیده باشد. در آگوست ۱۹۳۴ نوشت: «ماهیت و علت وجودی انقلاب ناسیونال سوسیالیستی در این است که آدولف هیتلر، روح جمعی این جامعه برای ساخت و اجرای نظم نوین ملت به شمار می‌آید.» در آن زمان، یعنی سال ۱۹۳۴، هایدگر متوجه نزاعی درونی و شاید آشکار در میان صفوف ناسیونال سوسیالیست‌ها شده بود. یک گروه از آن‌ها، خواهان برقراری یک زندگی معمولی و روزمره از طریق بسیج کامل نیروها و توانایی‌ها بودو خود را یک «الیت» جدید می‌دانست. اما گروه دیگر، خواهان پایان یافتن هرج و مرج دموکراسی، از طریق برقراری یک دیکتاتوری کامل و سختگیرانه تحت رهبری همان «الیت» قدیمی بود. این گروه دوم، در ماه‌های ژوئن و جولای ۱۹۳۴، حرف خود را به کرسی نشاند و موفق شد؛ اما نازی‌ها به هر صورت، همچنان آن استراتژی دوگانه را ادامه دادند و با استفاده از اوباش خشونت‌طلب، مخالفان را از سر راه برداشتند و چهره‌ای از یک سیستم تمامیت‌خواه از خود به نمایش گذاشتند. هایدگر هر دو طرف را انتخاب کرد. به نازی‌ها هشدار داد که با رسیدن به قدرت، تنبلی پیشه نکنند و در همان حال تلاش کرد که اختلاف‌های ایجاد شده بابت اعدام «ارنست روم»، رهبر کودتا در سال ۱۹۳۴ را، به حداقل برساند. اما رؤیای هایدگر در سال ۱۹۴۵ و با شکست آلمان نازی، نابود شد و او پس از آن، زندگی‌ای در انزوا داشت.

تمدید مناقصه
شماره ۳۱-۱۱-۱۴۰۲
شرکت مخابرات ایران
روابط عمومی منطقه خراسان رضوی
شرکت مخابرات ایران – مدیریت منطقه خراسان رضوی، در نظر دارد عملیات اجرای طرح ۱۷-۱۶--۱۰ODC مرکز صابری وحید و ۰۸-۰۷ODC محدوده مرکز فرشچی (حفاری با دستگاه ترنچر و میکرو داکت) و OLT از پروژه نجما، را براساس شرایط و مشخصات منضم به اسناد مناقصه از طریق برگزاری مناقصه عام به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.
متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس : kv.tci.ir مراجعه نمایند.
-آخرین مهلت تسلیم اسناد مناقصه ۱۴۰۲/۰۹/۱۳ می باشد.
-مناقصه گران جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند با تلفن ۰۵۱۳۸۵۱۴۴۲۲ تماس حاصل نمایند.
۴۶۱۳۹
دارای شماره پروانه ارائه خدمات: ۱۰۰/۱۱۰۰ از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی
آسان ترین روش پرداخت قبوض تلفن ثابت با تلفن ۲۰۰۰

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده
شرکت جامع تلاش صنعت طوس
بدین‌وسیله از سهامداران محترم شرکت جامع تلاش صنعت طوس (سهامی خاص) به شماره ثبت ۸۸۸۲ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۴۶۴۰۱ دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که راس ساعت ۱۵ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۰ به آدرس تهران، شهرک گلستان، میدان اتریش، خیابان بنفشه دهم، پلاک ۵۲ سالن جلسات شرکت مهندسی نوآوران تکساز صنعت برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
۱)نقل و انتقال سهام شرکت
۲)سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد
هیات مدیره
۴۶۲۱۶

مرکز کاهش آسیب سرای امید مشهد
در نظر دارد تجهیزات خط کامل تولید ماسک بهداشتی را از طریق مزایده به فروش برساند.
آدرس محل بازدید: مشهد، بلوار شاهنامه، شاهنامه ۱۱، شهید کاظمی ۶ - پلاک ۷۴
تلفن تماس: ۰۵۱۳۶۷۸۰۱۸۰ همراه: ۰۹۳۹۵۷۷۸۳۷۸
زمان بازدید: صبح ساعت ۹ - ۱۱ عصر ۱۶ - ۱۸
از روز سه شنبه ۱۴۰۲/۹/۷ لغایت دوشنبه ۱۴۰۲/۹/۱۳
۴۵۸۶۷
مشاهده تمامی آگهی های خراسان بزرگ
حراج خانه
زودتر با خبر شوید ...
www.mozayedemonaghese.com
واحد پشتیبانی و سایت ۰۲۱-۴۹۱۰۵۴۲۵